در ۲ روز اخیر شاهد همگرایی کم‌سابقه میان اهالی فرهنگ و هنر در دفاع از خاک ایران بوده‌ایم

ایران؛ نخ تسبیح هنرمندان

ساعت حوالی سه و ۲۰ دقیقه صبح روز جمعه. اولین انفجار اتفاق می‌افتد. خبرها چند دقیقه بعد منفجر می‌شوند. دوباره ساعت‌ها مهم می‌شوند و البته خبرها. جنگ زمان را کند می‌کند. زمان که کند شود همه چیز عمیق‌تر می‌شود. همه بیشتر فکر می‌کنند. همه چیز واقعی‌تر می‌شود. ترس، خشم و حتی شادی عمق پیدا می‌کند. وقتی مرگ را در جلوی چشمانت می‌بینی، آدمیزاد بودن یادت می‌افتد. همین جاست که تراژدی و البته حماسه آغاز می‌شود. و مگر نه این است که هر حماسه از دل تراژدی اتفاق می‌افتد.

درست در همین لحظه و درست در همین جدال‌های عمیق انسانی است که سروه از ناسوه جدا می‌شود. درست در همین لحظه است که اتفعال دیگر معنایی پیدا نمی‌کند. ساعت حوالی چهار صبح، تصویری از پسرپچه‌ای زیر آوار منتشر می‌شود. تصویری که اگر آدمیزاد باشی، قلبت را دردزده می‌کند. سه ساعت بعد تصویر پرتیا زیر دیوار در خبرگزاری‌ها منتشر می‌شود.

وقتی هوا روشن شد، در میان کندی ساعت‌ها صدای ایران بلند می‌شود. نام شهدا که خوانده می‌شود انگار دوباره دفاع مقدس آغاز شده و سراح بلند «گلبرگ سرخ لاله‌ها» را بخوانند. تصاویر شهدا بغض‌ها را می‌ترکاند. شاید برای خیلی‌ها عجیب به نظر برسد، اما اولین واکنش را پرتیا زیدبار نشان می‌دهد. او عکس کودک زیر آوار را منتشر می‌کند و تنها یک جمله می‌گوید: «فقط می‌تونم بمیرم برات.»

چند دقیقه بعد موج واکنش‌های هنرمندان و اهالی فرهنگ آغاز می‌شود. از شاعر گرفته تا بازیگر، از کارگردان گرفته تا نویسنده، انگار تصویر کودک زیر آوار کار خودش را کرده. برای داشتن اتحاد نیاز است یک چیزی آدم‌ها را تکان بدهد. یک چیزی به خاطرشان بیاورد که در میانه این روزگار پر از تعجیل، صدای انفجار لازم است تا پای همه چیز را از ابتذال بیرون بکشد. گاهی یک تراژدی نیاز است تا حماسه رقم بخورد. گاهی یک حماسه نیاز است تا صداها یکی شود. دیگر نه اخبار فرهنگی اهمیت دارد و نه اخبار ورزشی و... دیگر اینکه فلان فیلم اکران می‌شود یا نه و یا اینکه فلان فیلم تبلیغ شده یا نه مهم نیست. حالا همه چیز معطوف به جنگ است و آدم‌های درون جنگ. انگار کم‌کم صدای سوی دیار عاشقان آهنگران جایش را به صدای سراح می‌دهد. ساعت که به حوالی ۹ شب نزدیک میشد، واکنش‌ها از تراژدی به سمت حماسه می‌رفت. در این گزارش دوصفحه‌ای از «فرهیختگان» راوی واکنش‌ها هستیم. واکنش‌هایی که از تاجیکستان گرفته تا آمریکا از قلب‌های هنرمندان روانه دل‌های مردم ایران شده. این چند صفحه را نه برای آرامش و تسلای خاطر بلکه برای این نوشتیم که فراموش نکنیم همه با هم هستیم؛ آن هم برای یک خاک.

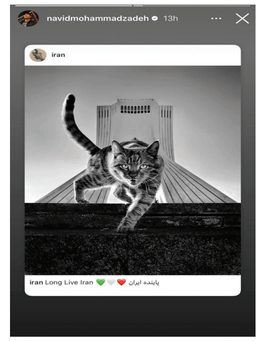

از پرینا زیدبار تا ابراهیم حاتمی‌کیا

حوالی ۱۲ ظهر روز جمعه شروع کردیم به جمع کردن یادداشت از اهالی فرهنگ و هنر. بالاخره خیلی ها هستند که نمی‌خواهد به استوری گذاشتن قانع شوند و در میان کلماتی طولانی‌تر از چند سطر به دنبال رویاپردازی هستند. با چندین نفر تماس می‌گیرم. گوشی ها در دسترس نیست. برخلاف روز بمباران هنوز صدای واکنش‌ها شدت نگرفته. چند ساعت قبل ایزدیار استوری گذاشته و البته حاتمی‌کیا هم چند دقیقه پس از پیام دوبلت، ناحه‌ای منتشر می‌کند. حاتمی‌کیا جمله‌اش را با کلماتی آغاز می‌کند که چند سالی است نماد حماسه شده: «بسم الله قاصم الجبارین». وقتی خبر آمد که حاتمی‌کیا دارد یادداشت می‌نویسد، همه منتظر بودیم که او کجا نامی از جنگ و جبهه می‌برد. حاتمی‌کیا معطل نکرد و همان جمله اول کار را تمام کرد: «برادرانم؛ آقا حسین سلامی و آقا محمد باقری و آقا غلامعلی رشید، که شما را با نامتان در جبهه می‌شناختیم، جز شهادت هیچ درجه‌ای بر قامت شما نمی‌ارزید.» پیام حاتمی‌کیا شدت واکنش‌ها را بیشتر می‌کند. البته این به این معنی نیست که تا قبل از ساعت ۱۲ خبری نباشد. بعد از پیام ایزدیار، علیرام نورایی منتی را در زمینه سیاه منتشر می‌کند با این عنوان: «اونایی که منتظر جنگ بودید و می‌گفتید با مردم کاری ندارند الان کجایید.» اینا کرمی، مزده لوسانی و مرتضی امینی‌تبار همان ساعت‌های اولیه صبح پیام‌هایی را منتشر می‌کنند که با اعلام انزجار است و با پرچم سرنگ ایران را به نمایش گذاشتند. چند دقیقه بعد یوسف حاتمی‌کیا زودتر از پدر پرچم را استوری می‌کند و بعد هم کاظم دانشی تهیه‌کننده سینما، نادره رضایی معاون هنری ارشاد، محمدجواد موحد تهیه‌کننده و دانش اقیلشاوی کارگردان «اسفند» واکنش نشان می‌دهند. ساعت به حوالی ۹ صبح که می‌رسد، سید مازیار هاشمی تهیه‌کننده «زیبا صدایم کن»، روح‌الله حجازی کارگردان سینما، نادر سلیمانی و پرویز پرستویی واکنش نشان می‌دهند. کم‌کم عکس‌های بیشتری از حادثه بیرون آمده و تصاویر بیشتری به استوری‌ها راه پیدا می‌کنند. در این بین سید امیر سلیمانی می‌گوید: «یک نفر هر چقدر می‌خواهد می‌کشد و دنیا فقط نگاه می‌کند. قرن‌هاست که از همه طرف به ما حمله می‌کنند و ما همچنان ایران بزرگ مانده‌ایم.» کم‌کم سوگواری جایش را به حماسه می‌دهد. علیرضا اوستادی و سیدعلی صالحی دیگر کسانی‌اند که استوری می‌گذارند و به موج همدلی می‌پیوندند. فرزین محدث می‌نویسد: «دریغ است ایران که از شاعر گرفته تا نقاش دیده می‌شود؛ «حبیب احمدزاده، محمدرضا سنگری، عبدالحمید قدیریان، وهب رامزی، گلستان حجفریان، محسن نفر، غلامرضا صنعتگر، رضا مهدوی، علیقلی، مصطفی گودرزی، صابر شجع‌زمانی، محمدرضا دوست‌محمدی، سیداحسان باقری، علی حیاتی، مرتضی حیدری، گلعلی بابایی، علیرضا قزوه، محمدمهدی سیار، سادات اراغافی، محمدرضا شریفی‌خویشان، بهاره نادینک، محمد حمزه‌زاده، عباس حسین‌نژاد، فاتحه عطاردحدادی، راضیه تجار، علی داودی، داود امیریان، محمدرضا سرشار، نامر فیظن، کلر ژبورت، امید مهدی‌نژاد و موسوی گرمارودی». چند دقیقه بعد سیدمحمود رضوی تهیه‌کننده سینما یادداشتی را منتشر می‌کند و می‌گوید: «بقینا به وعده خدا این خون‌ها بی‌پاسخ نمی‌ماند و بازوی این ظالم را برایانش جواب این دست‌درازی به وطن و این جنایت را پس خواهد داد و ما هم، نه فقط شاماگر، که آماده‌ایم! آماده ایستادن، مجاهدت و حتی جان دادن، انتقام این جنایت سخت را بگیریم.» هومن حاجی‌عبداللهی نکته‌هایی از مصاحبه ناخدا صمدی با کامران نجف‌زاده را منتشر می‌کند که در آن می‌گوید: «تا آخرین روز زندگی فدایی ایرانم.» کوروش سلیمانی تصویری از دماوند را منتشر می‌کند. علی سرایی کسی که هنوز با نقش شهید صیاد شیرازی در فیلمی با همین نام روی پرده سینماهاست در صفحه شخصی خود می‌نویسد: «هر چه مرگ است جز خوب، بر سر خصم فرون». بابک خواجه‌پاشا هم می‌نویسد: «پرچمت وقتی پایین می‌آید که روی کفن ما باشد». خسرو نقیبی منتقد سینما هم می‌نویسد: «خط قرمز ما ایران است. ما بر سر این خاک با اجنبی شوخی نداریم. نیمکشب با صدای انفجار از خواب بیدار شدم؛ درست شبه کودکی پنج‌سالم در دهه شصت. امروز آبی دختم پنج‌شش ساله است. سرنوشت آن زنگی مست، موشی شد پنهان در سوراخ؛ این یکی معترض به شهرهای من که آنکارا یک جنایت‌کار جنگی است. هیچ بیگانه‌ای بر هیچ خاک غریبه‌ای کف نمی‌سوزاند. ما در همه تاریخ فقط خودمان را داشته‌ایم. فرو از دامان پاکت دست دگران، بدگهران...».

تنها ۶ ساعت پیش از حمله

ساعت که به حوالی چهار بعدازظهر رسید، با موج بعدی حمله اسرائیل و بیرون آمدن تصاویر بیشتر از شهدا، بازهم واکنش‌ها شدت پیدا کرد. مهوش وفاری، نسرین مقانلو، علی مسعودی و الهام پاوه‌نژاد از دیگر هنرمندانی‌اند که واکنش نشان می‌دهند. مهدی یزدانی‌خرم، نویسنده و منتقد می‌گوید: «تا جایی که یادم می‌آید آخرین کسی که به ایران حمله کرد در پایان مثل موش از سوراخ بیرون کشیده شده و مثل کفتار حلق‌آویز شد...»

«جامعه هنرمندان وطن‌دوست ایران با قلبی سرشار از اندوه و خشم، جنایات رژیم‌صهیونیستی در تجاوز آشکار به خاک جمهوری اسلامی ایران و به شهادت رساندن فرماندهان نظامی، دانشمندان هسته‌ای و مردم بی‌گناه را به‌شدت محکوم می‌کند و با خانواده‌های شهدا و مجروحان این جنایات همدردی می‌کند. ما بر این باوریم که هنر، ایران رسای جهانی است و وظیفه خود می‌دانیم که در این لحظه تاریخی، با ابزار هنر، در برابر ظلم و ستم ایستادگی کنیم.» حوالی ساعت پنج بعد از ظهر نامه‌ای از طرف جمعی از هنرمندان منتشر می‌شود که در میان آن‌ها نام‌های مختلفی از شاعر گرفته تا نقاش دیده می‌شود: «حبیب احمدزاده، محمدرضا سنگری، عبدالحمید قدیریان، وهب رامزی، گلستان حجفریان، محسن نفر، غلامرضا صنعتگر، رضا مهدوی، علیقلی، مصطفی گودرزی، صابر شجع‌زمانی، محمدرضا دوست‌محمدی، سیداحسان باقری، علی حیاتی، مرتضی حیدری، گلعلی بابایی، علیرضا قزوه، محمدمهدی سیار، سادات اراغافی، محمدرضا شریفی‌خویشان، بهاره نادینک، محمد حمزه‌زاده، عباس حسین‌نژاد، فاتحه عطاردحدادی، راضیه تجار، علی داودی، داود امیریان، محمدرضا سرشار، نامر فیظن، کلر ژبورت، امید مهدی‌نژاد و موسوی گرمارودی». چند دقیقه بعد سیدمحمود رضوی تهیه‌کننده سینما یادداشتی را منتشر می‌کند و می‌گوید: «بقینا به وعده خدا این خون‌ها بی‌پاسخ نمی‌ماند و بازوی این ظالم را برایانش جواب این دست‌درازی به وطن و این جنایت را پس خواهد داد و ما هم، نه فقط شاماگر، که آماده‌ایم! آماده ایستادن، مجاهدت و حتی جان دادن، برای وطن و هموطن.»

دیگرکسی نمانده که حرفی نزده باشد

عرفان طهماسبی و علی‌رونین‌تن از دیگر کسانی‌اند که تا پیش از حمله موشکی ایران نسبت به اتفاقات روز جمعه واکنش نشان می‌دهند. ایران که حمله را آغاز می‌کند ناگهان علی بحرینی، نویسنده و منتقد اولین کسی است که واکنش نشان می‌دهد و می‌گوید: «کبد آهنین؟ افسانه بود». صفح فردای عملیات، دوده میرباقری منتی را منتشر می‌کند و در ابتدای آن می‌گوید: «تو را ای گرانمایه، دیرینه ایران؛ تو را ای گرامی‌گهر دوست دارم». سیروس مقدم هم متنی را منتشر می‌کند و می‌گوید: «با خانواده‌های بازماندگان همدردی می‌کنم و تسلیت عرض می‌نمایم.» نوید محمدزاده، بهرام افشاری، نیما جاویدی، فرزاد حسنی، امیر جدیدی و... از دیگر کسانی‌اند که نسبت به وقایع کمتر از ۷۲ ساعت قبل واکنش نشان داده‌اند. حقیقتش را بخواهید دیگر چندان هنرمندی در داخل کشور باقی نمانده که نسبت به وقایع مملکت واکنش نداده و ایرانی بودنش را ثابت نکرده باشد. این یعنی ایران پشت دارد. ملتی دارد که افتخارها تکلمش را نگرفته است. حوالی ساعت ۶ شب و چند دقیقه قبل از آغاز حمله ایران، قربان صابر پیامی اختصاصی برای «فرهیختگان» می‌فرستد و در آن خبر از همدلی ملت تاجیک با ایران می‌دهد، خبری که دل آدم را گرم می‌کند.

از تاجیکستان برای ایران

بازیگر تاجیکی که نقش شمشیر خان «پایتخت» هفتم را بر عهده داشت و از مفاخر هنر تاجیکستان محسوب می‌شود در متنی گفت: «پیام دردناکم را به شما می‌رسانم. این صبح بعد از شنیدن اخبار هجوم شغالانه و پلیدانه اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران، خیلی متأثر و دل‌پاره شده‌ام و من در اطراف هر کجا که رقتم کسی را ندیدم که دلش پاره‌پاره نباشد از این رفتار شغالانه این کشور نامرد، ناانسان، کودک‌کش. حتی در گونه‌های زنان اشک را هم دیدم. به همه آنهایی را که ملت عزیز ایران در دست داده به خانواده‌های محترمشان تسلیت می‌گویم و ملت عزیز ایران چه آن‌هایی که در داخل ایران هستند و چه آن‌هایی که بیرونند و به هرکسی که در این لحظه تاریخی، با ابزار هنر، در برابر شعر است که می‌خواهم اینجا فرات کنم: «به هر جا که هستید خروش آورید؛ جهنده جهان را به جوش آورید؛ همه یک به یک مهربانی کنید؛ به کلی جهان پاسبانی کنید. اجهان را بسازید همچون بهشت؛ مگوید هرگز سخن‌های زشت؛ بگویید این جمله در گوش ماه؛ چو ایران نباشد تن من مباد» یاز هم می‌گویم، دلم برای ایران فردزه شده. پروردگارا محافظ ایران باش. بازهم تسلیت میگم. باز هم امیدوارم که در این افتادگی روحی (ناراحتی)، جوانمردانه رفتار کردن همزبانان خودم را، هم‌ملتان خودم را آرزو دارم. با تمام وجود امیدوارم که این پلیدان و شغالان پاسخشان را بگیرند. خداوند بلد را به جزای اعمالش برسان.»

اشک چشم‌مان؛ نطفهٔ مبارزه با نسل‌کشان تاریخ

محمود گبرلو، منتقد، نویسنده و مجری تلویزیون هم در یادداشتی برای «فرهیختگان» ضمن گرامی‌داشت یاد شهدا، به جنایات رژیم‌صهیونیستی این‌طور واکنش نشان داد: «ایران سرافراز؛ همیشهٔ تاریخ؛ آماج حملات کینه‌ورزان و متخاصمان بوده است. نسل ایرانیان با تجاوز، مقاومت، مبارزه و سرانجام پیروزی و افتخار خو گرفته و پرورش یافته است. این‌بار هم تاریخ تکرار شد و متجاوزان و مهاجمان گمان بردند با مدرن‌ترین تجهیزات جنگی حافظان این سرزمین را به‌زانو درمی‌آورند! زهی خیال باطل. مردان مجاهد و زنان و فرزندان معصوم و بی‌گناه ایرانی را در نهمه‌های دبت، در هنگامی که در آرامش خفته‌اند، نکهباره می‌کنند، به‌گمان اینکه کشته‌اند و پیروز شده‌اند! اما ندیدند خشم و نفرت درونی ایرانیان را که دیوار اتحاد و همدلی ایجاد کرده و مقاومت؛ مبارزه و ایستادگی را مستحکم‌تر کرد. در طول تاریخ، نبرد نظامی نیروهای نظامی خود را می‌بلعد اما مغزهای متفکر و اندیشمند که سرمایه ملی و ثروت آینده آن سرزمین محسوب می‌شوند و زنان حسین‌ها و وظایفشان تربیت و رفاه و آسایش نسل آینده این سرزمین و بچه‌های بی‌گناه معصوم که هدف‌شان تحصیل و کسب علم است چه گناهی کرده‌اند؟ مقتلر باشید با این کجهفی‌ها، قدرت شجاعت و تدارم ایمان ایرانیان چندبرابر شود و اشک چشم‌مان و خون پاکشان نطفه مبارزه با دشمن البه و جاهل، در تار و پود جند نسل آینده است، به‌خصوص آنکه نسل حاضر، پایه فکری‌اش بر مبنای مرام مولا و امام‌اش حسین بن علی عجین شده است... درود بر اندیشمندان، سرداران و مردم سنمدیدهٔ ایران که جانشان را در بامداد این روزهای تاریخی، توسط رژیم نامشروع و مشهور به آدم‌کش فدا کردند. امیدوارم خفتگان مدافع حقوق بشر بیدار بشوند.»

تاریخ ایران روایت ایستادگی دردل این تورورها و دشواری‌هاست

علیرضا تابش، مدیر فرهنگی و مدیرعامل سابق فارابی در یادداشتی گفت: «در روزگاری که رژیم جنایتکار صهیونیستی، روی جنایتکاران تاریخ را سفید کرده است، ایران عزیز، جمعی از فرماندهان و دانشمندان خدوم و ارگذار خود و گروهی از شهروندان بی‌دفاع را در پی تجاوز تروریستی ناجوانمردانه از دست داد. جوهرهایی که عمر خود را در راه امنیت، دانش و پیشرفت این سرزمین وقف کردند و قدداشان صنایع‌های تلخ برای ملت مقاوم مسلمان است اما تاریخ ایران، روایت ایستادگی در دل این تورورها و دشواری‌هاست. ملتی که از هر زخم، قدرتی تازه زاده و تداوم ایران را رقم زده است این بار نیز، پاسخ ملت سرفراز ایران به متجاوزان، وفاق ملی، همدلی عمیق، و اراده‌ای خلل‌ناپذیر برای ساختن آینده‌ای روشن‌تر خواهد بود. این مردم، با بیداری و مقاومت، همواره توطئه‌ها را به فرصت تبدیل کرده‌اند. ما در کنار همه دلسوزان و وفاداران به جمهوری اسلامی ایران ایستاده‌ایم و تا آخرین نفس، پشتیبان ایران جان خواهیم بود. راه شهیدان، با ایمان، عقلانیت و همدلی ادامه خواهد یافت. ایران ماندنی است!» ایستاده و پرشکوه.»

وقت پرهیز از اختلافات، برای ایران است

محمدمهدی عسگرپور، مدیرعامل خانه هنرمندان ایران، تهیه‌کننده و کارگردان سینما و تلویزیون در متنی که برای «فرهیختگان» نوشته، ضمن اشاره به جنایات رژیم صهیونی، لزوم پرهیز از اختلاف را لازمه شرایط کنونی دانست: «امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند هم‌گرایی و پرهیز از اختلافات هستیم. در طول تاریخ هر بار که ایران عزیزمان متحمل خیانتی بوده با یابمردی ایرانیان یاکنهاد، سربلند و سرافراز از مهلکه عبور کرده است، باز هم چنین خواهد بود.»

ادامه از صفحه ۱۳

نوای مقاومت و همدلی

در این سه روزی که قلب ایران از زخم این حمله ناجوانمردانه به درد آمده، هنرمندان عرصه موسیقی نیز در کنار مردم ایستاده‌اند و با زبان شعر و موسیقی، همبستگی و خشم خود را به تصویر کشیده‌اند.

محسن چاوشی، خواننده‌ای که همواره در بزنگاه‌های اجتماعی همراه مردم بوده، این بار نیز سکوت نکرد. او با انتشار بخشی از ترانه «کولی» در استوری اینستاگرامش نوشت: «لگد کردی، لگد میشی... الا لعنت‌الله علی الظالمین»

علی زندوکیلی نیز در استوری‌ای سیاه‌رنگ با فونت تستعلیق سفید، بخشی از ترانه «وطن» را بازنشر کرد:

«وطن، چکیده بغض تو ز چشم‌های من
خودم فدای تو، غمت برای من
وطن، وطن، وطن...»

رضا صادقی، با انتشار تصویری تلخ از عروسکی در میان ویرانه‌های حمله، متنی احساسی نوشت:

«گرگ‌ها خوب بدانند در این ایل غریب،
گر پدر مرد، تفنگ پدری هست هنوز...»

برایم اصلاً مهم نیست چه کسی و با چه واژه‌ای ایران را تعریف می‌کند. تعریف من از وطنم، تعریف جان است... من تو هم خاکم؛ و غلط می‌کنه به خاکم و خونم اجنبی تعرض کند. هشت سال جنگ را دیدم و بهتر از خیلی‌ها می‌دانم رنج جنگ یعنی چه... پس منتظر تعریف با نقل بد از کسی نیستم اما این دیگه خاک و وطن است.»

همایون شجریان نیز تصویری از کوه دماوند و دشت‌های گل‌دار دامنه‌اش را به اشتراک گذاشت و دعایی برای مردم سرزمینش کرد: «بارالها، ایران زمین و مردمان پاکش را از گزند و آسیب حفظ بفرما.»

همچنین، رضا یزدانی با انتشار تصویری از پرچم ایران که بر آن با خط تستعلیق نوشته شده بود «که از چشم بداندیشان خدایت در امان دارد» همراهی‌اش را با مردم و میهن ابراز کرد.

کارن همایونفر، آهنگساز و موزیسین شناخته‌شده، با بازنشر تصویر معروف عروسک رهاشده در خرابه‌ها نوشت: «ایران برای ما فقط یک سرزمین نیست، یک قلمروی پهناور تمدنی است. هر وجب خاک این قلمرو، خط قرمز ما، روح ما و استخوان‌های ماست. تنت هزار زخمی بی‌زبان...»

در این میان، محمد گلریز، خواننده سرودهای انقلابی نیز با تأکید بر وحدت هنرمندان در دفاع از وطن گفت: «هنرمندان، با هر سلیقه و عقیده سیاسی، مشتاق دفاع از کشور هستند و در این زمینه تردیدی نیست.»

همچنین سینا ساعی، خواننده رپر ایرانی با انتشار استوری از ایرانی نوشت که با تمام دنیا متضاد است: «اما ایرانی که ما درش ایستادیم
این معجون متفاوت
همیشه به بهترین شکل ممکن راه حل
کمبودشو شناخته
همیشه راوی نجوا و زمزمه‌ای بوده که
از روی خودش یافته
چیزی که نه غرب شنیده نه شرق حرف زده
ضد مضمون متعارف
خدایا به داد همممون
برس ما مردم شریف»

همچنین خوانندگانی چون میثم ابراهیمی، فرزاد فرزین، گرشا رضایی، حمید هیراد، حمید صفت، وحید مرادی آملی، معین‌زد، امو بند و تعدادی دیگر از هنرمندان موسیقی، با انتشار استوری‌ها و واکنش‌های احساسی در فضای مجازی، نسبت به این حمله تجاوزکارانه واکنش نشان دادند و همراهی خود را با مردم و میهنشان ابراز کردند.

واژه‌ها، همدلی می‌سازند

کنشگری در میان شاعران و نویسندگان، رنگ و طعم دیگری داشت؛ واکنشی که ابزارش واژه‌ها بودند. شاعران، همچون همیشه که در بزنگاه‌های بزرگ میهن حضور دارند، این‌بار نیز خاموش نماندند. با وزن و قافیه، با استعاره و ایهام، متن‌هایی نوشتند که هم تلخ بود و هم باشکوه. آنان با زبان شعر، پلی ساختند میان اندوه جمعی و امید ملی. نویسندگان هم به این اتفاق پا به میدان گذاشتند. برخی در قالب یادداشت، برخی دیگر در گفت‌وگوهایی که انجام داده بودند. هرکدام به سهم خود تلاش کردند تا از واژه‌ها بهترین استفاده را ببرند و باکنار هم گذاشتن اختلافات، پرچم کشور را با وحدت برافراشته نگاه داشت.

پناهی با الهام از پیام رهبر انقلاب، یادآوری می‌کند که مردم ایران نه به هزار، بلکه به پاسخی کوبنده دعوت شده‌اند. به باور او، ایمان، توکل به خدا و توسل به اهل بیت می‌تواند نیرویی مضاعف برای عبور از بحران‌های پیش رو ایجاد کند.

او همچنین با اشاره به شهادت چهره‌های برجسته‌ای همچون شهید باقری و شهید حاجی‌زاده، این رویداد را صاعه‌ای سنگین برای ایران توصیف می‌کند! اما در عین حال، شهادت را سرانجامی افتخارآمیز برای این قهرمانان می‌داند. پناهی بر این نکته تأکید دارد که ادامه راه شهدا، وظیفه‌ای همگانی است و باید با آگاهی و همدلی، این مسیر را زنده نگه داشت. در بخش دیگری از تحلیل خود، این نویسنده نقش مهم و تأثیرگذار گروه‌ها و فعالان فرهنگی را یادآور می‌شود. او معتقد است که اکنون، به‌ویژه با نزدیک شدن به عید غدیر، مسئولیت جامعه فرهنگی دوچندان است و باید با قدرت، مردم را به سوی وحدت، آرامش و انسجام اجتماعی هدایت کرد. شهلا پناهی درنهایت با لحنی امیدوارانه تأکید می‌کند ملت ایران، همان‌گونه که در آزمون‌های پیشین سربلند بیرون آمد، این‌بار نیز با توکل به خدا، پیروی از رهبری و اتکا به اتحاد ملی، از این مرحله سخت عبور خواهد کرد.

علیرضا قزوه شعری که نوشت را تقدیم به شهیدان سلامی، رشید، باقری، حاجی‌زاده، طهرانچی و عباسی کرد. در بخشی از شعر، قزوه با اشاره به سوگ شهدا از قوی‌تر شدن می‌گوید:

«ببین که صهیون کودک‌کش است و دانش‌کش
سیاه‌روی‌تر از این شد آن سیاه گلیم
هزار مرثیه از نو شکوفه می‌بندیم
که ما را از داغ‌تان دلی‌ست دو نیم
چه حکمتی‌ست که خون‌های پاکتان ما را
به غیر درس شهادت نمی‌دهد تعلیم
به رعد و فاتح و سجیل و نازعات قسم
ز خشم خویش تل‌آویو را کنیم جحیم
چه غم ز حیلت فرعون و فتنه نمرود
که پیر و مرشد ما سست و ابراهیم
سپیده بر سرتان لشکر ابابیلیم
که ما عذاب الیمیم، ما عذاب الیم»

همچنین محمدکاظم کاظمی، شاعر افغانستانی برای تسلیت به هم‌زبانان همدلش نوشت:

«مشتِ جهان و اهل جهان بازباز شد
دیگر کسی نمانده که تزفه‌دان زند
سر می‌دهیم زمزمه‌های بگانه را
حتی اگر زماله دهان‌بندمان زند»

میلاد عرفان‌پور با زبانی استعاری و پر از شور، به خیزش دوباره‌ای اشاره دارد که از دل خون و حماسه سر بر می‌آورد؛ پیداری‌ای که با صدای دلاوفلتر پیوند خورده است:

«صبح از دل این غبار برمی‌خیزد
از حجله بانگ یار برمی‌خیزد
این خون غدیر است به جوش آمده باز
پیداست که دلاوفلتر برمی‌خیزد»

طالب کریم‌آذرخش در شعری سوگناک و وطن‌دوستانه، با تکیه بر میراث تاریخی ایران و یادآوری نام‌آوران فرهنگ و ادب فارسی، از زخم‌های وطن می‌گوید. او ایران را خانه پهلوانان و فرهیختگان می‌داند و کینه‌ورزی دشمنان را نشانه روشنی این نور می‌خواند:

«دلم خون گشت از غم‌های ایران،
برمی‌خیزد؛ مانندِ دلفین جَست می‌زند و پیدا می‌شود و نهان می‌شود، و باز از نو پدیدار. هر کجا که گمان کنید که نیست، درست همانجا هست، در هر لباس، هر سیما، چه در زربفت و چه در کرباس. چه گویا و چه خاموش. هزاران هزار صدا در خرابه‌های تو پیچید که: «دیوان آمد، دیوان آمد!» این صدا در خرابه‌های دیگر نیز پچیده است و گوش روزگار بآن آشناست؛ ولی دیوان می‌آیند و می‌روند، غولان می‌آیند و می‌روند، دوالپایان پاورچین پاورچین می‌گذرند، و آن رونده بزرگ که ایران نام دارد، می‌ماند.»

رضا امیرخانی، در صفحه شخصی‌اش از وطن و وطن‌دوستی نوشت: «وتین یعنی رگ گردن، وتن یعنی زمن رگ گردن. بیوتن را می‌شود بی‌وطن هم خواند، وطنی که تایش دیگر دسته‌ای ندارد تا خودت را بهش بگیری، بلکه باید با تمام وجود بغلش کنی.»

شهلا پناهی، نویسنده ادبیات مقاومت که بیشتر در حوزه شهدای مدافع حرم داستان نوشته است؛ در مصاحبه‌ای که با ایبنا داشت بر ضرورت حفظ وحدت و همدلی در شرایط کنونی تأکید کرد.

پناهی بر این باور است که با وجود تلخی اخبار این روزها و فشارهای روانی حاصل از آن، جامعه ایران باید از درون خود به پاسخ برخیزد. او بر این نکته تأکید دارد که اکنون زمان سوگواری و انفعال نیست، بلکه زمان ایستادن در کنار یکدیگر و حفظ انسجام ملی در برابر دشمنان واقعی این سرزمین است. این نویسنده با اشاره به شکاف‌های موجود در جامعه، ازجمله تفاوت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، تأکید دارد که در چنین شرایطی، هر نوع تفرقه‌گرایی تنها به نفع دشمنان ملت خواهد بود. به‌گفته او، باید با کنار گذاشتن اختلافات، پرچم کشور را با وحدت برافراشته نگاه داشت.

پناهی با الهام از پیام رهبر انقلاب، یادآوری می‌کند که مردم ایران نه به هزار، بلکه به پاسخی کوبنده دعوت شده‌اند. به باور او، ایمان، توکل به خدا و توسل به اهل بیت می‌تواند نیرویی مضاعف برای عبور از بحران‌های پیش رو ایجاد کند.

او همچنین با اشاره به شهادت چهره‌های برجسته‌ای همچون شهید باقری و شهید حاجی‌زاده، این رویداد را صاعه‌ای سنگین برای ایران توصیف می‌کند! اما در عین حال، شهادت را سرانجامی افتخارآمیز برای این قهرمانان می‌داند. پناهی بر این نکته تأکید دارد که ادامه راه شهدا، وظیفه‌ای همگانی است و باید با آگاهی و همدلی، این مسیر را زنده نگه داشت. در بخش دیگری از تحلیل خود، این نویسنده نقش مهم و تأثیرگذار گروه‌ها و فعالان فرهنگی را یادآور می‌شود. او معتقد است که اکنون، به‌ویژه با نزدیک شدن به عید غدیر، مسئولیت جامعه فرهنگی دوچندان است و باید با قدرت، مردم را به سوی وحدت، آرامش و انسجام اجتماعی هدایت کرد. شهلا پناهی درنهایت با لحنی امیدوارانه تأکید می‌کند ملت ایران، همان‌گونه که در آزمون‌های پیشین سربلند بیرون آمد، این‌بار نیز با توکل به خدا، پیروی از رهبری و اتکا به اتحاد ملی، از این مرحله سخت عبور خواهد کرد.

علیرضا قزوه شعری که نوشت را تقدیم به شهیدان سلامی، رشید، باقری، حاجی‌زاده، طهرانچی و عباسی کرد. در بخشی از شعر، قزوه با اشاره به سوگ شهدا از قوی‌تر شدن می‌گوید:

«ببین که صهیون کودک‌کش است و دانش‌کش
سیاه‌روی‌تر از این شد آن سیاه گلیم
هزار مرثیه از نو شکوفه می‌بندیم
که ما عذاب الیمیم، ما عذاب الیم»

همچنین محمدکاظم کاظمی، شاعر افغانستانی برای تسلیت به هم‌زبانان همدلش نوشت:

«مشتِ جهان و اهل جهان بازباز شد
دیگر کسی نمانده که تزفه‌دان زند
سر می‌دهیم زمزمه‌های بگانه را
حتی اگر زماله دهان‌بندمان زند»

میلاد عرفان‌پور با زبانی استعاری و پر از شور، به خیزش دوباره‌ای اشاره دارد که از دل خون و حماسه سر بر می‌آورد؛ پیداری‌ای که با صدای دلاوفلتر پیوند خورده است:

«صبح از دل این غبار برمی‌خیزد
از حجله بانگ یار برمی‌خیزد
این خون غدیر است به جوش آمده باز
پیداست که دلاوفلتر برمی‌خیزد»

طالب کریم‌آذرخش در شعری سوگناک و وطن‌دوستانه، با تکیه بر میراث تاریخی ایران و یادآوری نام‌آوران فرهنگ و ادب فارسی، از زخم‌های وطن می‌گوید. او ایران را خانه پهلوانان و فرهیختگان می‌داند و کینه‌ورزی دشمنان را نشانه روشنی این نور می‌خواند:

«دلم خون گشت از غم‌های ایران،
چنان قرائتی با کشور ندارند و پیام صریح آن‌ها در مواجهه با اقدامات صهیونیست‌ها با وجود دور بودن از وطن، خالصانه و توأم با علاقه به مادر هنگی ما، یعنی ایران است.

وقتی خوانندگان آن‌ور آبی هم پشت کار ایرانند

استوری و پست‌های اینستاگرامی هنرمندان ایرانی خارج از کشور را مرور می‌کنم. برخی همچون منصور، خواننده لس‌آنجلسی با بی‌اعتنایی نسبت به اتفاقات کشور مشغول درج اخبار مربوط به کنسرت‌ها و اپونت‌هایشان هستند و گویا با اطلاع ثانوی قصد ندارند خروج از کشور کنند. اما در مقابل خصوصیتی در خاک آمریکا با نهلیدید جدی از طرف دولت ترامپ روبه‌رو شود. اما این تنها واکنش شهره‌های ایرانی حاضر در یک‌دهنیا و دیگر نقاط جهان نسبت به حملات اسرائیل به خاک ما نیست. اگر به شما می‌گفت